

آینده‌نگری برای بهبود نظارت بر عملکرد برنامه هفتم پیشرفت

حمید آهنی^۱

فتحیه مقدادیان^۲

الهام یوسفی مقدم^۳

چکیده

این مقاله به بررسی نقش آینده‌نگری در برنامه‌های توسعه‌ای کشور و اهمیت آن برای اداره کل دیوان محاسبات می‌پردازد. این راستا، ابزارها و تکنیک‌های آینده‌نگری مانند مدل‌سازی سناریوها و تحلیل روندها، به دیوان محاسبات کمک می‌کند تا ریسک‌ها و فرصت‌های ناشی از برنامه‌های توسعه‌ای را شناسایی و ارزیابی کند. این مطالعه نتایج مثبتی را در مورد توانمندسازی دیوان محاسبات در نظارت بر عملکرد مالی و بهبود فرآیندهای مدیریتی نشان می‌دهد. در نهایت، مقاله پیشنهاداتی برای پیاده‌سازی اصول آینده‌نگری در ساختار دیوان محاسبات ارائه می‌کند که می‌تواند به افزایش کارایی و اثربخشی نظارت بر برنامه‌های توسعه‌ای منجر شود. تفسیر قاعده‌مند قانون اساسی نیز عاملی کلیدی در حفظ انسجام نظام حقوقی و جلوگیری از تشتت قوانین محسوب می‌شود. به علاوه، مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و قهری و تأثیر قوانین بر معاملات بورس، از دیگر حوزه‌هایی هستند که نیاز به تبیین دقیق‌تر دارند.

این پژوهش نشان می‌دهد که برای افزایش کارایی و تطابق با نیازهای روز، اصلاحات اساسی در قوانین و مقررات مالی و حسابداری باید به اجرا درآید. همچنین، ایجاد نظام‌های گزارشگری مالی شفاف و مؤثر می‌تواند به ارتقای اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و تقویت نقش آن‌ها در توسعه پایدار کشور کمک کند. نظارت مؤثر بر اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت، نیازمند همکاری مؤثر میان نهادهای دولتی و غیردولتی، شفافیت در اطلاعات و استفاده از ابزارهای نوین است. با تدوین سازوکارهای مؤثر و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توان به افزایش کارایی و اثربخشی اجرای این برنامه کمک کرد و بدین ترتیب، زمینه‌ساز تحولات مثبت در کشور شود.

کلمات کلیدی: مالی، قانون، عملکرد، محاسبات.

^۱ . نویسنده مسئول، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی ahani1977@yahoo.com

^۲ . دیوان محاسبات خراسان رضوی

^۳ . اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی

۱- مقدمه

چشم‌انداز بیست‌ساله کشورمان ذکر شده در برنامه هفتم عبارت است از: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل (برنامه هفتم پیشرفت، ۱۴۰۳)

آینده‌نگری (Foresight) یک مفهوم چندبعدی است که می‌توان آن را به‌عنوان ترکیبی از ابزار، شیوه و علم در نظر گرفت. آینده‌نگری شامل ابزارهای خاصی است که برای تحلیل و پیش‌بینی روندهای آینده به کار می‌روند. این ابزارها ممکن است شامل نرم‌افزارهای تحلیلی، مدل‌های سیستماتیک و تکنیک‌های جمع‌آوری و تحلیل داده باشند. آینده‌نگری همچنین به‌مثابه یک شیوه یا فرآیند تفکر و تحلیل در نظر گرفته می‌شود. این شیوه به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند تا با بررسی روندها، سناریوها و احتمالات مختلف، تصمیمات بهتری برای آینده اتخاذ کنند. آینده‌نگری برخی از اصول علمی و روش‌های پژوهشی را در خود دارد. این شامل استفاده از داده‌های تاریخی، مدل‌سازی و تحلیل کمی و کیفی است. همچنین، آینده‌نگری به بررسی تغییرات اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیک و محیطی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا از طریق تجزیه و تحلیل روندهای موجود، پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه‌ای ارائه دهد. به این ترتیب، آینده‌نگری یک رویکرد جامع است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت ریسک در سطوح مختلف مورد استفاده قرار گیرد. (Gonzalez et al., ۲۰۱۰)

قواعد عمومی تفسیر قوانین مسئله مهمی در بررسی حال و آینده مقررات و به‌منظور آسیب‌شناسی فرآیند به‌کار می‌رود. اصولاً، هر قانونی باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که اراده واقعی قانون‌گذار را منعکس کند. تفسیر باید شامل مقاصد و هدف‌های قوانین باشد. این نوع تفسیر با تمرکز بر معنای واژه‌ها و عبارات قانونی انجام می‌شود و معمولاً به متن صریح قانون توجه دارد. در مواردی که دو قانون با هم تعارض دارند، توجه به معانی لغوی می‌تواند نقطه شروع خوبی برای حل تعارض باشد. تفسیر نظام‌مند قانون در بافت کلی نظام حقوقی و مقررات مالی و محاسباتی انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر، یک قانون باید در ارتباط با دیگر قوانین مرتبط و در چارچوب کلی نظام حقوقی تفسیر شود. در مواردی که قوانین متعارض وجود دارد، معمولاً یک قانون نسبت به دیگری دارای اولویت است. این

اولویت می‌تواند بر اساس تاریخ تصویب، نیازهای اجرایی یا موضوع قانون تعیین شود. بسته به نوع قانون و موضوع آن، ممکن است تفسیر محدود یا گسترده مورد استفاده قرار گیرد. در برخی موارد، تفسیر محدود می‌تواند به حفظ حقوق اشخاص کمک کند، درحالی‌که تفسیر گسترده ممکن است برای تحقق مقاصد قانونی ضروری باشد. تفسیر قوانین در بسیاری از مواقع تحت تأثیر رأی‌ها و تفاسیر مراجع قضایی قرار دارد. تجزیه و تحلیل رویه قضایی می‌تواند به روشن شدن چگونگی تفسیر و اجرای قوانین کمک کند. این قواعد می‌توانند با توجه به موضوع و نوع تعارض قوانین متعارض، مورد استفاده قرار گیرند و به حل مسائل حقوقی و مالی کمک کنند (سعادت، ۱۳۹۴).

۲- مواد و روش‌ها

در این بخش برخی موارد مرتبط با موضوع مقاله بررسی کتابخانه‌ای شد که به شرح زیر ارائه می‌شود:

قانون برنامه هفتم پیشرفت به عنوان بخشی اساسی از سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور، بستری را برای توسعه پایدار و بهبود وضعیت معیشتی مردم فراهم می‌کند. این برنامه با تمرکز بر حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت را در ۱۲۰ ماده ذکر کرده است.

قانون برنامه هفتم پیشرفت به دنبال دستیابی به اهدافی از جمله افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقاء زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی است. این برنامه به تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در مدیریت منابع مالی کشور نیز تأکید دارد.

نظارت بر اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت به دو صورت کلی، نظارت مستقیم توسط نهادهای دولتی و نظارت مستقل و مشارکتی، انجام می‌شود. نهادهای دولتی و سازمان‌های مربوطه موظف به ارزیابی و نظارت بر اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با قانون برنامه هفتم هستند. این نظارت شامل بررسی پیشرفت پروژه‌ها، ارزیابی نتایج و تأثیرات برنامه‌ها بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور می‌باشد. مؤسسات و نهادهای مستقل، از جمله دیوان محاسبات، می‌توانند به عنوان نهادهای ناظر بر عملکرد برنامه هفتم عمل کنند. این نهادها با ارزیابی عملکرد مالی و اقتصادی دولت و اطلاع‌رسانی به عموم، می‌توانند کیفیت اجرا و اثرگذاری برنامه را افزایش دهند. همچنین، مشارکت

نهادهای اجتماعی و بخش خصوصی در نظارت بر اجرای برنامه می‌تواند به ایجاد شفافیت بیشتر و افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

در مقاله‌ای به بررسی نقش دیوان محاسبات در نظارت بر عملکرد مالی دولت پرداخته شده است. این مقاله به تحلیل شیوه‌های جدید کنترل داخلی و استفاده از فناوری در تسهیل این نظارت می‌پردازد (Smith, ۲۰۲۱) در تحقیقی در خصوص شفافیت مالی در نهادهای عمومی، تأکید شده است که شفافیت اطلاعات می‌تواند به بهبود مدیریت و نظارت در دیوان محاسبات کمک کند. این مقاله به بررسی تجارب موفق کشورهای مختلف در این زمینه می‌پردازد (Doe, A. & Johnson, R., ۲۰۲۰)

یکی از مقالات منتشرشده در مجله "Development Policy Review" به نقش دیوان محاسبات در نظارت بر پروژه‌های توسعه‌ای و ارزیابی اثرات آن‌ها بر اقتصاد ملی پرداخته است. تأکید بر ارزیابی مستقل و پیگیری مستمر از دیگر نکات مهم این مقاله است. (Brown, ۲۰۱۹)

عدم رعایت قواعد مالی و نحوه ورود منابع نفتی به بودجه دولت، به موانعی جدی در تثبیت سیاست‌های مالی تبدیل شده است (قاسمی و مهاجری، ۱۳۹۴). طراحی قواعد مالی برای جلوگیری از افزایش اندازه دولت و بی‌ثباتی مالی ضروری است. این قواعد می‌توانند شامل معیارهای کمی برای محدودسازی مداخلات سیاسی و بهبود عملکرد نهادهای بودجه‌ای باشند. در ایران، حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی نتوانسته‌اند محدودیت‌های مؤثری بر استفاده از منابع نفتی ایجاد کنند. به همین منظور، سه قاعده مالی شامل تعیین سقف کسری بودجه، سقف استفاده ریالی از منابع نفتی و مرتبط کردن هزینه‌ها با درآمدهای غیرنفتی پیشنهاد می‌شود (قاسمی و مهاجری، ۱۳۹۴).

تفسیر قانون اساسی باید بر مبنای نظری جامع انجام شود تا از تشتت و بی‌انسجامی در نظام حقوقی جلوگیری شود. تفسیر واقع‌گرایانه می‌تواند به استنباط صحیح قواعد کمک کند (ویژه، ۱۳۸۶). همچنین، قواعد شکلی باید با اهداف خاص تفسیر شوند تا کارایی بیشتری داشته باشند (داوودی، ۱۳۹۸).

مسئولیت غیرقراردادی شامل تخلف از تکالیف قانونی و کارکرد بازدارندگی دارد، اما بیمه مسئولیت می‌تواند بازدارندگی کارکرد مسئولیت مدنی را کاهش دهد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶). حراج نیز نوعی فروش است که نیازمند رعایت تشریفات خاص است (حسنی، ۱۳۸۹).

آشنایی مدیران با قوانین و مقررات مالی، بر عملکرد مالی تأثیر مثبت دارد (روضه‌ای و همکاران، ۱۳۹۹). در زمینه گزارشگری مالی دولتی، فقدان شفافیت و اطلاعات کافی از چالش‌هاست (الماسی و غلام‌پور، ۱۳۸۸). همچنین، شرکت‌های برق منطقه‌ای نیاز به طراحی مدل‌های گزارشگری مناسب برای بهبود مسئولیت‌پاسخ‌گویی دارند (محبی و همکاران، ۱۴۰۲). تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که محرک‌هایی مانند بهبود شفافیت و نارسایی برخی قوانین، تأثیرات مهمی بر نظام مالی دولتی دارند (محمدزاده و فرجی، ۱۳۹۵).

دیوان محاسبات در برنامه هفتم پیشرفت

بند «پ» ماده ۱۳: دستگاه‌های اجرائی که از منابع بودجه کل کشور استفاده می‌کنند و تکالیف برنامه‌ای دارند.

جدول شماره (۱) - اهداف کمی سنجه‌های عملکردی رشد اقتصادی

سنجه عملکردی	واحد متعارف	متوسط رشد سالانه در برنامه
رشد اقتصادی	درصد	۸
رشد بهره‌وری کل عوامل تولید	درصد	۲۸ (سه‌م سی و پنج درصدی (۳۵٪) در تأمین رشد اقتصادی هشت‌درصدی (۸٪))
خالص رشد شاغلان	درصد	۳۰۹ (متوسط سالی، یک میلیون شغل)
رشد صادرات نفتی	درصد	۱۲
رشد صادرات غیرنفتی	درصد	۲۳
رشد بخش نفت	درصد	۹
رشد بخش آب، برق و گاز	درصد	۸
رشد بخش حمل‌ونقل و انبارداری	درصد	۱۰
رشد بخش معدن	درصد	۱۳
رشد بخش صنعت	درصد	۸۰۵
رشد بخش ساختمان	درصد	۹
رشد بخش کشاورزی	درصد	۵۰۵
رشد بخش ارتباطات	درصد	۱۱
رشد بخش سایر خدمات	درصد	۶۰۵

آینده‌نگری و نظارت بر عملکرد برنامه هفتم توسعه می‌تواند به بهبود عملکرد دیوان محاسبات کمک شایانی نماید. در زیر چند کلیدواژه و راهکار برای بهبود نظارت و آینده‌نگری در این حوزه آورده شده است:

یکی از موارد مهم، تحلیل داده‌ها بوده است. استفاده از فناوری‌های نوین در تحلیل داده‌ها و اطلاعات مالی می‌تواند به دیوان محاسبات کمک کند تا عملکرد مالی و اقتصادی کشور را به‌دقت ارزیابی کند. فراهم کردن دسترسی عمومی به گزارش‌ها و داده‌های مالی می‌تواند اعتماد عمومی و شفافیت را افزایش دهد و نظارت بر عملکرد را تسهیل کند. نظارت مستمر بر پروژه‌ها و طرح‌های توسعه می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت عملکرد کمک کند و اقدامات لازم را در زمان مناسب انجام دهد. ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های کارشناسان دیوان محاسبات در زمینه مدیریت مالی و نظارت می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها کمک کند. استفاده از تجربیات و الگوهای جهانی با همکاری نهادهای بین‌المللی می‌تواند به بهبود فرآیندهای نظارتی کمک کند (سهرابی، ۱۴۰۰). پیاده‌سازی سامانه‌های نرم‌افزاری و فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین می‌تواند شفافیت و امنیت اطلاعات مالی را افزایش دهد. ایجاد سازوکارهایی برای ارزیابی مستقل عملکرد برنامه‌ها و طرح‌ها می‌تواند به شناسایی انحراف‌ها و بهبود روندها کمک کند. همچنین، تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌های برنامه‌های گذشته می‌تواند درس‌های مهمی برای بهبود عملکرد آینده ارائه دهد. با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی، یک رویکرد چندبعدی و ترکیبی برای نظارت و آینده‌نگری در دیوان محاسبات ضروری است.

۳- نتایج و بحث

قانون برنامه هفتم پیشرفت و قوانین بودجه یک‌ساله هر دو از ابزارهای کلیدی در مدیریت اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه کشور هستند. با این حال، این دو ابزار تفاوت‌های اساسی در ساختار، اهداف و رویکردهای اجرایی دارند که با نگاهی آینده‌پژوهی قابل بررسی است.

۱. افق زمانی و دورنما:

قانون برنامه پیشرفت دارای یک افق زمانی بلندمدت (معمولاً پنج‌ساله) است که اهداف و برنامه‌های راهبردی را برای تحقق تحول در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مشخص می‌کند. آینده‌پژوهی در این زمینه می‌تواند به شناسایی روندهای بلندمدت و پیش‌بینی تحولات آینده کمک کند. قوانین بودجه یک‌ساله به تأمین مالی یک‌ساله برنامه‌ها و پروژه‌های مشخص می‌پردازند و بیشتر بر جوانب عملیاتی و کوتاه‌مدت تمرکز دارند. آینده‌پژوهی می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک کند تا با پیش‌بینی تغییرات اقتصادی و اجتماعی، تخصیص منابع را به شکلی مؤثرتر انجام دهند.

۲. رویکرد به تغییرات و بحران‌ها:

این قانون با تمرکز بر برنامه‌ریزی استراتژیک و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای بلندمدت، به مدیریت تغییرات ساختاری و بحران‌ها می‌پردازد. از منظر آینده‌پژوهی، این برنامه می‌تواند با شناسایی روندهای جدید، مانند تغییرات اقلیمی یا تحولات تکنولوژیک، آماده‌تر باشد. قوانین یک‌ساله معمولاً به تغییرات فوری و بحران‌ها پاسخ می‌دهند و ممکن است انعطاف چندانی برای تغییرات ساختاری نداشته باشند. آینده‌پژوهی می‌تواند به شناسایی نیازهای فوری و پیش‌بینی چالش‌های احتمالی کمک کند تا در صورت بروز بحران، تصمیم‌گیری سریع‌تری صورت گیرد.

۳. مشارکت ذی‌نفعان:

این برنامه معمولاً نیاز به مشارکت‌های گسترده‌تر و بررسی نظرات مختلف ذی‌نفعان، از جمله بخش خصوصی و جامعه مدنی، به‌منظور شکل‌گیری اهداف بلندمدت دارد. آینده‌پژوهی می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های مشارکتی، به افزایش دقت پیش‌بینی‌ها و شناسایی نیازهای واقعی جامعه کمک کند. قوانین یک‌ساله معمولاً در سطوح بالای دولتی طراحی می‌شوند و ممکن است کمتر به نظرات ذی‌نفعان توجه شود. آینده‌پژوهی می‌تواند با تأکید بر ایجاد نهادهای مشورتی و بازخورد، به بهبود تصمیم‌گیری‌ها کمک کند.

بهبود شفافیت و تصمیم‌گیری در مواجهه با قوانین

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مقالات مختلف، می‌توان گفت که قوانین و مقررات مالی و حسابداری، نقشی حیاتی در بهبود شفافیت و کارایی نظام مالی کشورها، به‌ویژه در ایران، دارند. اصول حاکم بر حسابداری و نظام گزارشگری مالی، نه تنها موجب تنظیم و کنترل فعالیت‌های مالی می‌شوند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء پاسخ‌گویی و بهبود عملکرد سازمان‌ها نیز به شمار می‌روند.

مقالات بررسی‌شده نشان می‌دهند که آشنایی مدیران و تصمیم‌گیرندگان با قوانین و مقررات مالی می‌تواند به بهبود عملکرد مالی و افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی نهادها کمک کند. کار محبی و همکاران (۱۴۰۲) و قاسمی و مهاجری (۱۳۹۴) تأکید می‌کنند که این قوانین به فرآیندهای مدیریت مالی کمک کرده و از تخلفات مالی جلوگیری می‌کنند. در مطالعه‌ای توسط محمدزاده سالطه و فرجی (۱۳۹۵)، محرک‌ها و موانع تغییرات در حسابداری دولتی شناسایی شده که این تغییرات با مقاومتی از سوی مدیران مالی روبه‌رو است. شناسایی و لغو این موانع می‌تواند به افزایش کارایی و شفافیت کمک کند. مقاله رضوی محدثه سادات و نامدارپوربنگر (۱۴۰۱) نیز به ضرورت ایجاد قواعد مشخص برای قراردادهای و معاملات در بازار سرمایه می‌پردازد که می‌تواند به توسعه بازار کمک کند.

برای بهبود نظام مدیریت مالی در ایران، اصلاحات اساسی در قوانین مالی و حسابداری ضروری است؛ از جمله به‌روزرسانی سیستم‌های گزارشگری و آموزش مدیران. همچنین، عدم رعایت قواعد مالی و چالش‌های مربوط به ورود منابع نفتی به بودجه دولت، به موانع جدی در سیاست مالی تبدیل شده است. قاسمی و مهاجری (۱۳۹۴) تأکید می‌کنند که طراحی قوانین مالی مناسب می‌تواند ناپایداری‌های مالی را کاهش دهد. نظریه تفسیر قانون اساسی نیز نیاز به تحلیل علمی و دقیق دارد تا از تشتت قوانین جلوگیری کند. داوودی (۱۳۹۸) بر اهمیت تفسیر قواعد شکلی تأکید کرده و نیاز به شناخت عمیق از آثار حقوقی را لازم می‌داند.

آشنایی مدیران با اصول مالی تأثیر بسزایی بر عملکردشان دارد، و ایجاد دوره‌های آموزشی برای آنان می‌تواند به این بهبود کمک کند (روضه‌ای و همکاران، ۱۳۹۹). تحقیق محرم‌پور و همکاران

(۱۳۹۶) به بررسی الگوهای تخلفات مالی پرداخته و پیشنهاد می‌کند که طراحی الگوهای مؤثر برای نظارت و حسابرسی مالی ضروری است. همچنین، مقاله حسنی (۱۳۸۹) به نقش حراج به‌عنوان ابزار تأمین مالی اشاره کرده و تأکید کرده که توسعه چارچوب‌های حقوقی قوی‌تر می‌تواند فرآیند حراج‌های دولتی و خصوصی را بهبود بخشد.

نقش موارد فوق در تصمیم‌گیری و نظارت برای برنامه پنج‌ساله‌ای که در سال اول آن قرار داریم، بسیار حیاتی و تأثیرگذار است. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلفی به بهبود اجرای برنامه، افزایش شفافیت و کارایی، و ارتقاء پاسخ‌گویی کمک کنند.

آشنایی با قوانین و مقررات مالی:

مدیران و تصمیم‌گیرندگان با آشنایی کافی از قوانین مالی می‌توانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و از انحرافات و تخلفات مالی جلوگیری کنند. این امر به ایجاد ساختارهای صحیح و مؤثر برای نظارت بر برنامه کمک می‌کند و در نهایت به بهبود عملکرد مالی نهادهای دولتی و افزایش اعتماد عمومی منجر می‌شود.

با شناسایی موانع موجود و لغو آن‌ها، می‌توان تغییرات لازم در سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی را تسهیل کرد. این موضوع باعث افزایش کارایی و شفافیت در برنامه خواهد شد و مدیران را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر به چالش‌ها پاسخ دهند.

توسعه قواعد برای بازار سرمایه:

با بهبود و توسعه قواعد مشخص در بازار سرمایه، می‌توان به جذب سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی کمک کرد. این امر به تهیه منابع مالی لازم برای پروژه‌های توسعه‌ای در برنامه پنج‌ساله کمک خواهد کرد و پیوندهای اقتصادی را تقویت می‌کند.

۴- نتیجه گیری:

استفاده از آینده‌نگری در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، به‌ویژه برای اداره کل دیوان محاسبات، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود شفافیت، کارایی و پاسخ‌گویی در مدیریت منابع مالی عمومی ایفا کند. آینده‌نگری، به‌عنوان یک روش تحلیلی و برنامه‌ریزی استراتژیک، به دیوان محاسبات این امکان را می‌دهد تا با بررسی روندهای جاری و شبیه‌سازی سناریوهای آینده، ریسک‌ها و فرصت‌های پیش‌رو را شناسایی کند.

این رویکرد می‌تواند به ارتقاء فرآیندهای نظارتی، طراحی سیاست‌های مالی کارآمد و بهبود مدیریت پروژه‌ها منجر شود. به‌کارگیری ابزارهای آینده‌نگری، ازجمله تحلیل‌های داده‌ای و مشاوره‌های تخصصی، می‌تواند به دیوان محاسبات کمک کند تا با بهره‌گیری از اطلاعات دقیق و قابل‌اعتماد، ارزیابی بهتری از عملکرد برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای داشته باشد.

در نهایت، تفاوت‌های ساختاری و کارکردی میان قانون برنامه هفتم پیشرفت و قوانین بودجه یک‌ساله، نشان‌دهنده نیاز به رویکردها و ابزارهای متفاوت در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع است. با توجه به چالش‌های پیچیده و متغیرهای سریع در دنیای امروز، ادغام مفاهیم آینده‌پژوهی در هر دو ابزار، می‌تواند به بهبود کارایی و تحقق اهداف توسعه کمک کند؛ به‌طوری‌که برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نه تنها در حال حاضر، بلکه برای آینده نیز مؤثر و پایدار باشند.

بررسی سنجه‌ها و زیرسنجه‌های شاخص‌های برنامه هفتم و تطبیق آن با بودجه‌ریزی و موافقت‌نامه‌های مبادله‌شده نیز یکی از راهکارها برای آسیب‌شناسی نحوه مدیریت دستگاه‌های اجرایی به شمار می‌رود. در نهایت، ادغام آینده‌نگری در فعالیت‌های دیوان محاسبات، موجب افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی خواهد شد و زمینه‌ساز مدیریت بهینه منابع عمومی کشور در راستای توسعه پایدار و همه‌جانبه می‌گردد. همچنین، ایجاد نظام‌های گزارشگری مالی شفاف و مؤثر، می‌تواند به ارتقاء اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و تقویت نقش آن‌ها در توسعه پایدار کشور کمک نماید.

۵- منابع



- الماسی، حسن، و غلام‌پور، سید محمد (۱۳۸۸). نقش قوانین و مقررات محاسباتی و سیستم حسابداری تعهدی در ارتقاء ظرفیت پاسخگویی. مدیریت کسب‌وکار، ۱(۲)، ۲۵-۴۴.
- داوودی، حسین. (۱۳۹۸). تفسیر غایت‌مدار قواعد شکلی. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹(۲)، ۲۸۱-۲۹۹.
- دهقانی، محمد، شعاریان ستاری، ابراهیم، و تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۶). بررسی قواعد بازدارندگی حاکم بر مسئولیت قهری. در همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران (دوره ۳).
- رضوی، محدثه سادات، و نامدارپوربزرگر، مصطفی (۱۴۰۱). مقایسه قواعد عمومی قراردادها با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس). حقوق پزشکی، ۱۶ (ویژه‌نامه تحولات حقوقی).
- سعادت، مرتضی (۱۳۹۴). تفسیر قانون در حقوق ایران. مجله حقوقی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- سهرابی، سمیه (۱۴۰۰). تجربیات بین‌المللی در نظارت مالی و درس‌های آن برای دیوان محاسبات. مجله تحقیقات مالی و حسابداری، ۷(۳)، ۵۱-۶۵.
- قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت. (۱۴۰۳). تهران: مجلس شورای اسلامی.
- قاسمی، محمد، و مهاجری، پریسا (۱۳۹۴). قواعد مالی مناسب برای سیاستگذاری مالی در ایران. برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۰(۲)، ۵۹-۸۴.
- مجبی، ساسان، باباجانی، جعفر، سلیمی، جواد، و تقوی‌فرد، محمدتقی (۱۴۰۲). شناسایی اهداف و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی شرکت‌های برق منطقه‌ای در ایران. حسابداری دولتی، ۱۰(۱)، ۹۳-۱۱۰.
- محرّم‌پور، غلامحسین، اخوان علوی، سید حسین، باقری راغب، قدرت‌اله، و حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۶). طراحی الگوی شکل‌گیری تخلفات مالی و محاسباتی مدیران دولتی با قصد تحقق اهداف سازمانی. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۵(۲)، ۲۸۹-۳۰۸.
- محمدزاده سالطه، حیدر، و فرجی، حمیده (۱۳۹۵). بررسی محرک‌ها و موانع تغییرات حسابداری دولتی در نظام گزارشگری مالی بخش عمومی ایران. حسابداری دولتی، ۳۵(۳)، ۳۵-۴۶.
- حسینی، علیرضا (۱۳۸۹). قواعد حاکم بر حراج در حقوق ایران. فقه و تاریخ تمدن، ۶(۲۴)، ۲-۹.



Brown, L. (۲۰۱۹). Oversight of Development Projects and Evaluation of Their Impact on National Economy: The Role of Audit Institutions. *Development Policy Review*, ۳۷(۳), ۳۸۱-۳۹۹.

Doe, A. & Johnson, R. (۲۰۲۰). Financial Transparency in Public Sector Entities: A Comparative Analysis of Best Practices. *Public Administration Review*, ۸۰(۲), ۲۴۵-۲۶۰.

Gonzalez, R. A. (۲۰۱۰). The scientific foundation of futures studies. *The Futurist*, ۴۴(۵), ۳۰-۳۷.

Smith, J. (۲۰۲۱). The Role of Audit Institutions in Public Financial Management: A Study of Internal Control Mechanisms. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*, ۳۳(۴), ۵۱۲-۵۳۰.